

## Typology of the narrations of Ghadir in Bishārat al-Mustafā

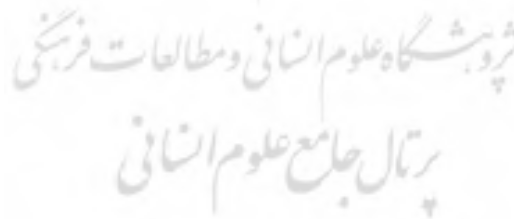
Seyyed Mohsen musavi\*

### Abstract

Ghadir Khumm ,as the most prominent Eid of the Islamic Ummah and the beginning of the guardianship of Imam Ali (as), is very important. There are so many narrations that have described the event of this Day, or are somehow related to Ghadir. These narrations are placed in different groups and form different types. The authors of Islamic texts, due to their interest in narrating the event of Ghadir ,have quoted a number of these narrations in their books, including' Imad al-Din Muhammad ibn Abul-Qasim al-Tabari (sixth century). The main question is how the great Islamic writers looked at the event of Ghadir , and reflected what narrations in explaining and promoting the Ghadir culture in their works. The typology of Ghadir narrations in this book ,Bishā ratā l-Muṣṭafā ,will noticeably help to know Ghadir and all kinds of related issues thereof . In this article, which is organized in a descriptive-analytic method, will be shown the types of narrations about the virtue and actions of Ghadir ,audience in Ghadir ,Imam's contention about Ghadir ,etc.

**Keywords:** Ghadir Ghadir narrations Imad al-Din Tabari Bishā ratā l-Muṣṭafā

Typology



---

\* Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences Department of University of Mazandaran,  
sm.musavi55@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## گونه‌شناسی روایات غدیر در بشاره المصطفی

سیدمحسن موسوی\*

### چکیده

عید غدیر خم به عنوان روز آغازین بیعت مسلمانان با امیرمؤمنان از اعیاد برتر مسلمانان و به طور خاص شیعیان است. روایات ناقل این واقعه متعدد و در دسته بندیها و گونه‌های مختلف قابل رهگیری هستند. نویسندگان متون اسلامی اعم از محدثان و مورخان با توجه به میزان علاقه خود به نقل واقعه ی غدیر تعدادی از این روایات را در کتابهای خود نقل کرده‌اند که عمادالدین محمد بن ابوالقاسم طبری (قرن ششم) از آن جمله است که کتاب بشاره المصطفی را برای نشان دادن فضیلت شیعه و شیعیان و اعتقادات ایشان نگاشته است. پرسش اساسی این است که محدثان و به طور خاص عمادالدین طبری، چه نگاهی به رویداد غدیر داشته و چه روایاتی را در تبیین و ترویج فرهنگ غدیر در آثار خود منعکس ساخته‌اند. گونه‌شناسی روایات غدیر در کتاب بشاره المصطفی، کمک شایانی را به شناخت غدیر و انواع مسایل مرتبط با آن خواهد کرد. در این نوشته که به شیوهی توصیفی - تحلیلی سامان یافته است، گونه‌های روایاتی که دربارهی فضیلت و اعمال غدیر، حاضران در غدیر، احتجاج امام به غدیر و ..... ، نشان داده خواهد شد. کشف روایات غدیری به عنوان یکی از عناصر محوری کتاب، آماده‌سازی متون روایی مورد نیاز برای اقناع مخالف و استحکام عقیده موافق از دستاوردهای این نوشتار است.

**کلیدواژه‌ها:** عید غدیر، روایات غدیر، عمادالدین طبری، بشاره المصطفی، گونه‌شناسی

\* دکترای تخصصی، استادیار، مدیرگروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، sm.musavi55@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷

## ۱. مقدمه

هجدهم ذی الحجه در سال پایانی عمر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله (ق۱۱) با رویدادی بزرگ نام‌دار شد که سبب کمال دین و تمام نعمت بر امت اسلام گردید. وصایت و امامت به عنوان ادامه‌ی راه نبوت و تعیین مصداق امام، بدون فاصله پس از پیامبر اسلام، مأموریت الهی به پیامبر خاتم بود.

درباره‌ی واقعه‌ی غدیر، روایات بسیاری از پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام، برجای مانده است که نویسندگان بسیاری آنها را در کتابهای خویش نوشته‌اند و نگاه داشته‌اند تا تصویری روشن از رویداد این روز بزرگ، در یادها به بار بنشیند. برخی از این آثار به صورت ویژه به این رویداد پرداخته و غدیری‌های خاص را شکل داده‌اند. برای نمونه نگاه کنید به الغدیر فی التراث الاسلامی، سید عبدالعزیز طباطبایی؛ الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب، علامه امینی؛ دلیل النص بخبار الغدیر، ابوالفتح کراچکی؛ حدیث الغدیر، سید علی حسینی میلانی؛ الغدیر و المعارضون، جعفر مرتضی‌العاملی و ...

یکی از نویسندگانی که به صورت ویژه به غدیر خم و روایات آن پرداخته و گونه‌های مختلفی از این روایات را در نوشته‌ی خود به ظهور رسانده، عمادالدین محمد بن ابوالقاسم بن محمد طبری از عالمان قرن ششم هجری است. او شاگرد شیخ ابوعلی طوسی ملقب به شیخ مفید دوم و پدرش شیخ الطائفه ابوجعفر طوسی و شیخ منتجب الدین بابویه و ... است. (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۱۷/۳) اگر چه شیخ منتجب الدین بابویه او را در رقم ۳۰۸ کتابش نام برده و کتابهایش را ذکر کرده و او را شاگرد ابوعلی طوسی و استاد قطب راوندی معرفی کرده، ولی نامی از کتاب بشاره‌المصطفی نیآورده است. (ابن بابویه، ۱۳۶۶: ۱۲۳) ولی ابن شهر آشوب مازندرانی در کتاب معالم العلماء، کتاب البشارات را برای او نام برده که به نظر میرسد همین کتاب بشاره‌المصطفی باشد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۵۴)

طبری کتاب بشاره‌المصطفی را در بیان منزلت، فضیلت و کرامتهای شیعه در هفده جزء نگاشته است. نسخه‌های در دست، فقط بخشی از آن کتاب می‌باشد. او در کتاب بشاره‌المصطفی لشیعه‌المرتضی، روایات متعددی از رویداد غدیر را به گونه‌های مختلف در محتوا و به طریقه‌های روایی متعدد در سند، روایت کرده است.

شناخت گونه‌های گوناگون روایات غدیر از نظر شکل و محتوا، به تبیین بهتر و بیشتر پیام غدیر کمک خواهد کرد. مراد از گونهناسی، شناخت گونه‌های مختلف یک پدیده در این نوشته، حدیث) و به بیان دقیقتر طبقه‌بندی روشمند پدیده‌هایی است که به یک خانواده

و یک مجموعه وابسته هستند. (الویری، ۱۳۹۱: ۹) باید دانست که هر دسته از این روایات برای مخاطبانی خاص مفید بوده و در بحث، نوشته، یا مناظرهای خاص به کار می‌آید. برخی از این روایات برای اثبات اصل ولایت و وصایت امیرالمومنین به واسطه روایات غدیر بوده و در مقابل منکران یا تردیدکنندگان در واقعه غدیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بخشی دیگر از آنها برای مخاطبان درون مذهبی به کار گرفته شده و برای تبیین اهداف غدیر و بیان فضایل و اعمال آن به کار گرفته می‌شود.

از لحاظ طریقی هم، بخشی از این نقلها، از طریقه‌های موافقان (خاصه) و برخی دیگر از طریق مخالفان (عامه)، روایت شده است. (برای نمونه نگاه کنید به امینی، ۱۳۹۷: ج ۱/۱۵۹ به بعد)

عمادالدین، در تدوین این کتاب، شیوه‌های ویژه‌ی خود داشته و بنا بر رویه‌ی محدثان قرون چهارم تا ششم، حضور کم‌رنگی از خود در کتاب را به ظهور رسانده‌اند. درعین حال بر همان اساس، هر جا که ضرورتی دیدند، به دنبال نقل برخی از احادیث، بیانهایی را به خامه‌ی خود زدند و با بهره‌گیری از قواعد فقهای حدیثی، به تبیین مقصود معصوم پرداخته‌اند. (موسوی، ۱۳۹۴: ۵۷)

کتاب بشارة المصطفی لشبیعة المرتضی، بارها در ایران، لبنان و عراق به چاپ رسیده که در این نوشتار از چاپ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین استفاده شده که با تحقیقی جدید از آقای جواد قیومی است. این کتاب با عنوان بشارتهای پیامبر به شیعیان علی مرتضی، توسط محمد فربودی و با عنوان بشارت نبوی به شیعیان علوی توسط ابوالفضل مجتهدی ترجمه شده و به ترتیب نشر نهانوندی و نشر مکیال آنها را منتشر کرده‌اند.

شناخت روش مولف در انعکاس روایات مربوط به غدیر، مسأله‌ای است که در این نوشتار به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی به آن پاسخ خواهد داد.

در این نوشتار، نقلهایی که به صورت مستقیم و با محوریت جمله‌ی «من كنت مولاه فعلى مولاه» آمده مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به بیان است که روایاتی که بخشی از حدیث غدیر مانند «اللهم وال من والاه و عاد من عاده» و مانند آن را نقل کرده‌اند، بسیار بیشتر از موارد بررسی شده می‌باشد. گونه‌های روایاتی که عماد الدین طبری در کتاب خود آورده، عبارت است از:

## ۲. حاضران در غدیر

سه روایت از روایات مرتبط با غدیر در کتاب بشاره المصطفی، به صورت مستقیم به حاضران در این روز و شاهدان این رویداد می‌پردازد. در برخی روایات دیگر هم به تعداد شاهدان پرداخته شده است. شناسایی این دسته از روایات می‌تواند به آشنایی با حاضران در این روز و تهییج لیستی از ایشان به پژوهشگران یاری برساند. علاوه بر این، این نامه‌ها، امکان راستی‌آزمایی متنهای تاریخی و حدیثی را در حوزهی روایات غدیر فراهم می‌آورد. این راستی‌آزمایی در راستای رفع تردیدهای مطرح شده در بارهی راویان، ناقلان و حاضران در روز تاریخی غدیر یاری خواهد رساند.

عمادالدین طبری در آخر جزء دهم کتاب، از یحیی بن قیس الکنندی به سندش، از جریر نقل کرده است:

هنگامی که قافله‌ی رسول خدا صلی الله علیه وآله از مکه حرکت کرد و به سرزمینی رسید که به آن خمّ می‌گفتند و در آن برکه‌ای بود که غدیر نام داشت. پیامبر در بین مهاجرین، برخاست و خطبه‌ای ایراد کرد. سپس دست علی را گرفت و گفت: من کنت مولاه فهذا له مولی ....؛ هرکس که من مولای او هستم، پس این علی مولای او است. پس آگاه باشید که من به شما ابلاغ کردم.

زاذان میگوید به جریر گفتم: چه کسانی در آن محل حاضر بودند؟ پاسخ داد: جماعتی از اصحاب رسول خدا (ص) این سخن را شنیدند، آنگونه که من شنیدم. سپس یک یک اصحاب را نام برد، مگر آنهایی را که فراموش کرده بود و از جمله آنها ابوبکر و عمر را نیز نام برد. (طبری، ۱۴۲۰: ۴۲۱)

زاذان روایات دیگری را درباره‌ی غدیر نقل کرده که از جمله آنها حدیث برخاستن سیزده شاهد غدیر است. (همان: ۲۹۳)

## ۳. احتجاج امام به غدیر

پنج روایت از روایات مربوط به واقعه‌ی غدیر که در کتاب بشاره المصطفی آمده است، روایاتی است که امام علی (ع) حدیث غدیر و اتفاقات آن روز را مورد احتجاج قرار می‌دهد و یا به کسانی که در آن روز حضور داشتند، ولی اکنون به آن بیتوجهی می‌کنند، یادآوری می‌کند.

در یکی از این روایات از ابواسحاق از سعید بن مصعب نقل شده است که «علی علیه‌السلام در میدان شهر ایستاد و فرمود: همه‌ی شما مردان مسلمان را به خدا سوگند می‌دهم که هرکس از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، آنچه را که در روز غدیر خم فرمود، شنیده است، برخیزد و شهادت دهد. سپس سیزده نفر از حاضران برخاستند. شش نفر از یک جانب و هفت نفر از جانب دیگر. نویسنده در ادامه نقل این روایت مینویسد: «هارون می‌گوید: دوازده نفر برخاستند». در واقع طبری نقل دیگری که عدد برخاستگان را بجای سیزده نفر، دوازده نفر دانسته است، یادآور شده است.

مؤلف در ادامه نوشته است: «سپس ایشان شهادت دادند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه أحب من أحبه و أبغض من أبغضه و انصر من نصره.» (همان: ۴۱۴)

در روایتی دیگر آمده است که امام علی علیه‌السلام در روز شورا (شورای شش نفره عمر برای تعیین خلیفه‌ی بعد از خود)، مناقب خود را بیان داشته است. ایشان در ضمن ده مورد از فضایی که در آن جمع، ذکر کرده است، به داستان غدیر اشاره کرده و فرمود: «همه‌ی شما را به خدا قسم میدهم. آیا در بین شما غیر از من کسی هست که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد او فرموده باشد: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟ آنها گفتند: خدایا شهادت می‌دهیم که نه.» (همان: ۳۷۴) احتجاج امیرالمؤمنین در روز شورا در متن دیگری هم نقل شده است. عبیدالله بن زبیر مسعودی از عمرو بن شمر از جابر از امام باقر(ع) از ابن عباس نقل کرده است که گفت:

يوم الشورى من دم در بودم و از علی بن ابی طالب شنیدم که گفت: همه‌ی شما را به خدا قسم میدهم. آیا کسی در میان شما هست که رسول خدا (ص) در مورد او فرموده باشد: اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. همگی گفتند: به خدا ما شاهدیم که نه. (همان: ۳۶۳)

همچنین از مواردی که امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مردم به شهادت دادن درباره‌ی واقعه‌ی غدیر طلبیدند، حدیثی است که عمادالدین طبری از ابوعلی طوسی از شیخ طوسی به سندش از ابی اسحاق عمر ذی مر و سعید بن وهب از یزید بن نقیع نقل کرده که گفتند:

از علی علیه السلام شنیدم که در رجبه‌ی کوفه می‌گفت: شما را به خدا سوگند می‌دهم، کدامیک از شما در روز غدیرخم از رسول خدا(ص) شنیدید، آن سخنی را که وقتی برخاستند، فرمودند؟ در این هنگام سیزده نفر برخاستند و شهادت دادند که پیامبر فرمود: الست أولى بالمؤمنین من أنفسهم؟ گفتند: آری ای رسول خدا(ص). آنگاه دست علی(ع) را گرفت و گفت: من کنت علی مولا فلهذا علی مولا، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و أحب من أحبه و أبغض من أبغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله.(همان: ۲۰۰)

از جمله روایاتی که احتجاج امام علی(ع) به واقعه‌ی غدیر و شاهد گرفتن مردم بر آن را روایت می‌کند، حدیثی است که طبری از ابوعلی طوسی و ابومحمد بن احمد بن شهریار خازن، - خازن کتابخانه‌ی آستان علوی - از شیخ طوسی ... از عماره بن سعید نقل می‌کند که از علی شنیدم که در کوفه در [رجبه] مردم را مخاطب قرار داده و قسم میداد و می‌فرمود: چه کسی شنید که رسول خدا(ص) می‌فرمودند: من کنت مولا فاعلی مولا، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. در این هنگام بیش از ده نفر برخاستند و شهادت دادند. (همان: ۲۰۵)

عمادالدین طبری پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این خبر اگرچه از لحاظ لفظ و محتوا (متن حدیث) بارها تکرار شده است، ولی سندهای آن متفاوت است». (همان: ۲۰۵) در واقع مولف می‌خواهد از طریق نقل سندها و طریقهای متعدد و متفاوت، به تواتر لفظی حدیث غدیر یاری برساند. البته بعید است که خودش و دانشیان عصرش، قایل به تواتر حدیث غدیر نبوده باشند. این حرکت او که در میان نویسندگان پیش و پس از وی مألوف و معروف بوده، در جهت اقناع مخالفان بوده است. (برای نمونه نگاه کنید به صدوق در الخصال، ص ۷۰۲ - ۷۱۲ در نگارش بیش از چهل طریق برای حدیث تعلیم رسول خدا ص هزار هزار باب علم به امام علی علیه‌السلام)

نکته‌ی دیگر که در بیان عمادالدین آمده این است که این بشارت پیامبر اکرم «بزرگترین بشارت‌ها برای شیعه» است. دلیل اینکه «... پیامبر برای موالیان علی دعا کرده و دعای پیامبر - بدون هیچ اختلافی - مستجاب است. پس اگر شیعه ولی علی باشد، با دعای پیامبر، ولی خدا خواهد بود...» (طبری، ۱۴۲۰: ۲۰۵-۲۰۶)

همان‌طور که عمادالدین گفته، به شهادت گرفتن مردم در رجبه‌ی کوفه و اقرار دوازده یا سیزده نفر در آن جمع به یادآوری جملات پیامبر در روز غدیر، بارها در این کتاب تکرار شده است. (برای نمونه نک همان: ۲۹۳)



#### ۴. گفتگو درباره غدیر

هفت روایت از اخبار مرتبط با غدیر، نقل گفتگوی افراد مختلف درباره‌ی واقعه‌ی غدیر است. این متون از آن جهت در میان اخبار جای گرفته است که متسبب و مرتبط با اهل بیت علیهم السلام است.

#### ۱.۴ سؤال ابونعیم از فاصله روز غدیر با رحلت رسول خدا(ص)

ابونعیم می گوید: به قطر گفتم: بین روزی که پیامبر (ص) به علی (ع) فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه، تا روز وفات او چقدر فاصله شد؟ قطر پاسخ داد: صد روز. (همان: ۴۰۴)

#### ۲.۴ پاسخ وکیع به سؤال از معنای حدیث غدیر

حسین بن ابراهیم معروف به ابی علیة می گوید: از عبدالسلام بن صالح شنیدم که میگفت: به وکیع به جراح گفتم: معنای این سخن رسول خدا(ص) که فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه چیست؟ پاسخ داد: یعنی هرکس که من پیامبر او هستم، علی ولی او است. (همان: ۴۰۵)

#### ۳.۴ حدیث زید بن ارقم به ابن عمر

طبری در روایتی به سندش از داود نقل میکند که به ابن عمر گفتم: آیا میخواهی حدیث زید بن ارقم را برایت بازگو کنم؟ زید برایم حدیث گفت که از رسول خدا در روز غدیر شنیدم که میگفت: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» من دیدم که رسول خدا (ص) دست علی را بالا برد تا جایی که سفیدی زیر بغل آن دو را دیدم، در حالی که ایشان میفرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من ....» داود در ادامه میگوید: «به زید گفتم آیا ابابکر و عمر هم این سخنان را شنیدند؟ زید جواب گفت: آری به خدا قسم شنیدند.» (همان: ۲۸۵)

#### ۴.۴ شنیده‌های خثیمه از سعد

خثیمه میگوید که از سعد شنیدم که میگفت: «به علی سه خصوصیت داده شد. {یکی اینکه} پیامبر در وسط روز غدیر خم برخاست و گفت: آیا میدانید که من نسبت به شما، اولی هستم؟ مردم جواب دادند: بله. آنگاه فرمود: من کنت مولاة فعلی مولاة ...» (همان: ۳۱۰) در روایت دیگری از سعد بن مالک که حرث آن را از وی شنیده، در ضمن پنج فضیلت علی، روایت بالا بیان شده است. (همان: ۳۱۵)

#### ۵. بیان فضیلت روز غدیر

چهار روایت از روایات غدیریه در کتاب بشارة المصطفی، روایاتی است که روز غدیر خم را به عنوان «روز عید» معرفی میکنند، بلکه آن را با فضیلتترین عید، برای امت رسول خدا(ص) معرفی کرده است. طبری از ابومحمد حسن بن بابویه ... از عمویش ابوجعفر شیخ صدوق به اسنادش از عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده‌اند که امام صادق(ع) از پدرش از پدرانش نقل کرده‌اند که رسول خدا(ص) فرمود:

روز غدیر، بافضیلتترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خداوند به من امر فرموده که به نصب برادرم علی بن ابی طالب به عنوان پرچم هدایت برای امتم، که پس از من به او هدایت شوند. و آن روزی است که خداوند دین را در آن کامل فرمود و بر امتم نعمت را تمام کرد و به اسلام برای آنان به عنوان برترین دین رضا داده و خرسند گردید. سپس حضرت فرمود: ای مردم همانا علی بن ابیطالب از من است و من از اویم... ای مردم! هر کس علی را دوست داشته باشد او را دوست دارم و هر کس کینه‌دار او باشد، من هم کینه‌دار او خواهم بود و هر کس با علی صله و ارتباط نیک برقرار کرد من هم با او پیوند برقرار کند من هم با او پیوند برقرار خواهم کرد و... (همان: ۴۹)

بخش دیگری از روایات، با عمومیت بیشتری، درباره فضیلت این روز، عید بودن این روز و ... است. قاسم بن یحیی از جدش حسن بن راشد روایت کرده است که به امام صادق(ع) گفته شد: آیا برای مؤمنان عیدی غیر از دو عید قربان و فطر و روز جمعه وجود دارد؟ امام فرمود(ص):

آری، آنان را عیدی است که بزرگتر از این عیدها است و آن روز منصوب شدن امیرالمؤمنین است که پیامبر(ص) ولایت آن حضرت را در غدیر خم بر گردن زنان و مردان استوار فرمود. عرض کردم: آن روز چه روزی است؟ فرمود: روز هجدهم ذی الحجة است. عمل نیک در آن روز با عمل هشتاد ماه برابر است و شایسته است که در آن روز خدای گرامی و بزرگ را بسیار یاد کنند و بر پیامبرش درود فرستند و سزاوار است که مؤمن در آن روز، روزی خانواده‌اش را توسعه دهد و افزون گرداند. (همان: ۳۷۱)

شبیبه به این متن را ابراهیم بن هاشم از جدش قاسم بن یحیی از جدش حسن بن راشد نقل کرده و الفاظ و محتوای آن نزدیک به متن بالا است. این متن اضافاتی دارد که آن را با متن پیشین متفاوت میسازد. وی دلیل عید بودن این روز را بیان داشته و میگوید: «پیامبران، اوصیای خود را امر میکردند که روزی را که جانشینان خود را به پیشوایی منصوب می‌شد، عید بگیرند». (همان: ۳۶۳-۳۶۴)

در روایت دیگری که از جهت متن، کاملترین متن است، فضیلت روز غدیر خم و اتفاقات آن روز و نیز شأن نزول آیه اکمال دین را نقل کرده است (همان: ۱۷۱) در این روایت که طبری با اسناد خود از ابوهریره نقل کرده است که آمده است، پیامبر خدا(ص) فرمود: هرکس روز هجدهم ذی الحجة را روزه بگیرد، خداوند ثواب شصت سال عبادت را برایش می‌نویسد و این همان روز غدیر خم است که رسول خدا(ص) دست علی بن ابی طالب(ع) را گرفت و فرمود: أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ؟ گفتند: آری یا رسول خدا(ص). آنگاه پیامبر(ص) فرمود: من کنت مولاه فهذا علی مولاه. پس از آن عمر بن خطاب به علی(ع) گفت: به به بر تو ای پسر ابوطالب، تو امروز مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن شده‌ای. در این هنگام بود که خدای عزیز و جلیل آیه «الیوم اکملت لکم دینکم...» (مائده، آیه ۳) را نازل فرمود.

## ۶. اشاره به متن حدیث غدیر بدون ذکر نام غدیر و سبب صدور حدیث

در چهار روایت از روایات غدیریه و احادیث نقل شده در بشارة المصطفی، هیچ اشاره‌ای به واقعه‌ی غدیر و در حقیقت سبب صدور حدیث نشده و فقط یکی از جملات پیامبر اکرم(ص) در آن روز روایت شده است. برای نمونه: طبری به اسنادش از عبدالله

بن محمد ... از عبدالله بن بریده اسلمی از پدرش نقل کرده که پیامبر خدا(ص) فرمود: من کنت مولاہ فعلی مولاہ. (طبری، ۱۴۲۰: ۲۵۹)

در نمونه‌ای دیگر طبری با اسنادش از محمد فارسی ... از عطا از ابن عباس از رسول خدا(ص) روایت کرده است: «من کنت مولاہ فعلی مولاہ و علی ولی من کنت ولیه». (همان: ۲۳۵) این متن با سندی دیگر در بخش چهارم کتاب تکرار شده است. (همان: ۲۵۹)

همچنین در روایتی از صالح بن میثم از پدرش میثم تمار روایت کرده که در بازار، زید بن ارقم را دیدم که درباره حدیث صعب مستصعب سخن میگفت. آن را با امیرالمومنین (ع) در میان گذاشتم ... امام توضیحاتی برای میثم داده، سپس فرمود: «اما ای مومنان، پیامبر ما در روز غدیر خم دستم را گرفت و گفت: اللهم من کنت مولاہ فعلی مولاہ ...». (همان: ۲۳۶)

## ۷. اعمال روز غدیر

در سه حدیث از احادیث کتاب بشاره المصطفی، درباره‌ی اعمال مستحبی در روز هجدهم ذی حجه است. یکی از این روایات که از طریق اهل سنت نقل شده است و به صورت ضمنی به واقعه‌ی غدیر اشاره دارد، نقل ابوهریره است که هم ثواب روزه هجدهم ذی الحجّه را بیان میکند و هم داستان تبریک گفتن عمر به امام علی(ع) در روز غدیر را نقل میکند.

عماد الدین به اسنادش از ابوهریره روایت کرده است که گفت:

هرکس روز هجدهم ذی الحجّه را روزه بگیرد، خداوند ثواب شصت ماه را در نامه‌ی او می نویسد و این روز همان روز غدیر خم است که رسول خدا(ص) دست علی بن ابی طالب را گرفت و گفت: من کنت مولاہ فعلی مولاہ. در این روز عمر به علی گفت: به به تبریک بر تو ای علی! امروز تو مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن شدی. (همان: ۱۵۸)

همین متن، به صورت مرسل و بدون سند در جزء نهم کتاب، از ابی هریره روایت شده است. (همان: ۴۰۲)

در روایت دیگری نیز ثواب و فضیلت روزهی روز غدیر نقل شده است. او در روایتی بدون سند از امام صادق(ع) نقل کرده است که روزهی روز غدیر، برابر با کفارهی اعمال شصت سال است. (همان: ۳۷۷)

## ۸. تفسیر سخن رسول خدا (ص)

در یکی از روایات نقل شده دربارهی غدیر، عمادالدین طبری، به اسنادش از ابراهیم بن رجا الشیبانی نقل کرده است که به امام صادق(ع) گفته شد: رسول خدا(ص) از اینکه در روز غدیر خم به امام علی(ع) فرموده بود: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، چه منظوری داشت؟

امام صادق(ع) در حالیکه نشسته بودند، قامت راست کردند و فرمودند: به خدا قسم همین سؤال را از خود رسول خدا(ص) نیز پرسیدند، حضرتش فرمود: خداوند مولای من است و از من به من سزاوارتر است. در امر او من فرمانی ندارم و من مولای مؤمنان هستم. و از خود آنها سزاوارترم. در مقابل امر من آنها نمیتوانند سخنی بگویند و هرکس من مولای آنها هستم، چون اولی و سزاوارتر به آنها هستم، پس علی بن ابی طالب نیز مولای او است. و از خود او به او اولی و سزاوارتر است و با وجود امر او سزاوار نیست که رأی و فرمانی برای خود قایل باشد. (همان: ۹۲)

## ۹. حدیث غدیر با سند طلایی

علاوه بر مورد پیشگفته، یکی دیگر از روایاتی که سخن پیامبر(ص) در روز غدیر خم را از طریق اهل بیت علیهم السلام نقل میکند، حدیثی با سلسله‌ی سند طلایی (سلسله الذهب) است. مراد از سلسله الذهب، حدیثی با سند ویژه که یک امام معصوم حدیثی را از پدرش و پدر از پدر خود و همینطور تا امام علی(ع) یا پیامبر اکرم(ص) میرسد. در اصطلاح علم الدرایه، این حدیث را روایة الابناء عن الآباء می خوانند. طبری از ابو عبدالله محمد بن شهریار خازن در حرم مطهر امام علی(ع) در ذی القعدة سال ۵۱۲ق شنید که از ابوعلی محمد کوفی از محمد ابن عبدالرحمن علوی از ابومفضل محمد شیبانی از عبد بن احمد از ابی احمد بن عامر نقل کرده است که امام علی بن موسی الرضا از امام موسی بن جعفر از امام جعفر بن محمد از امام محمد بن علی از امام علی بن حسین از امام

حسین ابن علی از امام علی بن ابی طالب علیهم السلام از رسول خدا(ص) شنید که فرمود: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و اخذل من خذله و انصر من نصره». (همان: ۱۶۶)

## ۱۰. نقل‌های صحابه

پنج نقل از منقولات غدیری عمادالدین طبری در این کتاب، نقل‌هایی است که گوینده‌ی اصلی آن معصوم نیست. بلکه صحابیان رسول خدا، گوینده‌ی متن هستند. این متون گاه فعل یا قول پیامبر را نقل میکنند و گاهی سخن از خود صحابی است که در اصطلاح درایی، حدیث موقوف نام دارد. نقل‌هایی از این دست در این کتاب، فراوان است که به گزارش اندکی از آن بسنده می‌شود.

الف. ابوعلی طوسی در ماه رمضان سال ۵۱۱ قمری در حرم امیر المؤمنین از پدرش از ابو عمر و عبدالواحد ... از حکم بن عتیبه و سلمه بن کهیل روایت کرده که حبیب - مردی کفاش از قبیله بنی بدی بوده و همواره درباره‌ی او به خوبی یاد می‌کردند - گفت که از زید بن ارقم شنیده است که گفت: روز غدیر خم پیامبر اکرم(ص) برای ما خطبه خواند و فرمود: من كنت ولاء فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه». (همان: ۱۹۸)

ب. برخی دیگر از صحابه نیز در بیان فضایل امیر المؤمنین(ع) به داستان غدیر اشاره کرده‌اند. عمادالدین نقل کرده است:

عمر بن هشام از مسلم بن خثیمه گفت: از سعد شنیدم که میگفت: همانا پسر ابوطالب سه خصلت را دارا بود: یکی اینکه رسول خدا(ص) در غدیر خم میانه‌ی روز برخاست و به مردم فرمود: آیا شما میدانید که من نسبت به مؤمنان ولایت دارم و از خود آنها بر آنها سزاوارترم؟ همگی گفتند: آری به خدا قسم، همین طور است. فرمودند: پس هرکس که من مولای اویم، علی نیز مولای او است ... (همان: ۴۰۱)

ج. حماد از علی بن زید بن ثابت از براء بن عازب نقل کرده است که گفت: هنگامی که در حجة الوداع به خدمت رسول خدا(ص) روی آوردیم. در غدیر خم اطراق کرده بودیم. ندا دادند که هنگام نماز جماعت است. اجتماع کنید. میان دو درخت را تمیز و جارو کردند. در این هنگام حضرت، دست علی(ع) را گرفته و فرمودند: ای مردم آیا من به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟ عرض کردند: آری یا رسول الله(ص). فرمودند: آیا من نسبت به

هر مؤمنی از زن و مرد اولویت ندارم؟ عرض کردند: آری همین طور است. فرمودند: این آقا مولای هر کسی است که من مولای او هستم. بارخدا یا هر کس ولایت او را پذیرد، او را دوست داشته باش و هر کس با او دشمنی کند، با او دشمن باش. در راه عمر با علی(ع) ملاقات کرد و گفت: گواریت باد. شما صبح و شام کردید در حالیکه مولای من و مولای تمام مؤمنان گردیدید». (همان: ۲۸۴)

د. عمادالدین از شیخ منتجب الدین بابویه و او به اسنادش از اسحاق سبئی از براء بن عازب و زید بن ارقم که گفتند:

روز غدیر خم نزد رسول خدا(ص) بودیم و شاخه های درخت را از بالای سر حضرت کنار می زدیم که فرمودند: ... خداوند ولی من و من ولی هر مومنم و هر که من مولای اویم، پس علی مولای او است. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه . انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی طرفه بیدی و طرفه بأیدیکم فاسألوه و لاتسألوا غیرهم ففضلوا. (همان: ۲۱۷)

ه. شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن عبدالصمد از پدرش از جدش عبدالصمد بن محمد تمیمی از ابوالحسن محمد بن قاسم فارسی ... از ابی اسحاق از براء بن عازب و زید بن ارقم نقل کرده است:

روز غدیر خم نزد رسول خدا(ص) بودیم و شاخه های درخت را از بالای سر حضرت کنار میزدیم که فرمودند: بدانید که صدقه گرفتن بر من و اهل بیت من جایز نیست. آری شما مرا دیدید و از خود من حرفهایم را شنیدید، بدانید که هر کس به من عمدی دروغ بندد، جایگاه خود را در آتش مهیا ساخته است. بدانید که من به زودی از پیش شما میروم و به سوی کوثر میشتابم و در آنجا به کثرت شما امتم در روز قیامت افتخار می کنم، پس مرا شرمنده نکنید. و بدانید که خداوند بزرگ با عزت، ولی من است و من ولی مؤمنان هستم و هر کس که من مولای اویم، علی نیز مولای او است. (همان: ۲۶۱)

## ۱۱. اشعار غدیریّه

عمادالدین طبری در نوشته های خود برخی اشعار شاعران ولایی را جمعآوری کرده که در آن به رویداد غدیر اشاره شده است. وی از حسین بن ابی القاسم تمیمی به سندش از

ابوعلی محسن نقل کرده که شاعر ابوالقاسم علی بن محمد بن ابی‌الفهم التنوخی در قصیده‌ای سروده است:

«و من قال فی یوم الغدیر محمداً  
و من خاف من غدر العداة النواصب  
اما أنا اولی بکم من نفوسکم  
فقالوا بلی قول المریب الموارب  
فقال لهم من کنت مولاہ منکم  
فهذا اخی مولاہ فیکم و صاحب ...»

(همان: ۴۱۲)

## ۱۲. نقل‌های غیرمعروف

آنچه از روایات تاریخی و حدیثی از رویداد غدیر بر جای مانده است، متنهایی است که بیشترین همخوانی و همگرایی را با هم دارند. اما پاره‌های از متون مرتبط با غدیر، دارای متن‌های متفاوت با متون دیگر هستند. برای نمونه متنهایی از گزارش غدیر در این کتاب موجود است که جمله‌ی معروف «من کنت مولاہ...» در آن وجود ندارد.

عمادالدین از ابوعلی طوسی به طریقی از جابر جعفی، از امام باقر (ع) از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرد که پیامبر فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: خداوند به تو امر کرد که خطبهای بخوانی و تفضیل علی را به مردم اعلام کنی ... و خداوند به تو وحی می‌کند که هر که در این امر با تو مخالفت ورزد، جهنم برای او و هر کس اطاعت کند، بهشت برای او خواهد بود. آنگاه پیامبر فرمان داد که مردم جمع شوند و ..... فرمود: خداوند مرا دربارهی مردی فرمان داد که

لحمه من لحمی و دمه من دمی و هو عیبة العلم و هو الذی انتجبه الله من هذه الامة .... من عاده عادانی و من والاه والانی .... ثم أخذ یبدا امیرالمومنین علی فقال معاشر الناس هذا مولی المومنین و خلیفة الله فی الناس اجمعین ... (همان: ۱۱۱)

شبهه به این روایت را عمادالدین از شیخ منتجب الدین بابویه از شیخ طوسی از شیخ مفید به سندش از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است. (همان: ۱۷۵)



### ۱۳. تفسیر آیه تبلیغ

سه روایت از روایات غدیریه، در بیان تفسیر آیهی تبلیغ دین (مائده: ۶۷) آمده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که « هر کس دینش را کتاب خدا بگیرد ... آنگاه آیاتی از قرآن را قرائت میکند. (طبری، ۱۴۲۰: ۲۰۶) که آیه پایانی همان آیه تبلیغ است. آنگاه می‌گوید: « و من ذلک قول رسول الله ص لعلی ع: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاده ... و ابغض من ابغضه. » (همان: ۲۰۷)

در نقل دیگری عمادالدین به سندش از ابن عباس در بیان سبب نزول آیهی تبلیغ آورده است: « این آیه درباره امر خداوند به پیامبر نازل شده که پیامبر دست علی را گرفت و گفت: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من ..... ». (همان: ۳۷۴-۳۷۵)

در روایت دیگری که از قیس بن ربیع از ابی هارون از ابی سعید نقل شده، آمده است:

وقتی بعد از غدیر خم پیامبر مردم را فراخواند ... و دست علی را بالا برد تا حدی که زیر بغلش پیدا شد. پس متفرق نشدند تا اینکه این آیه نازل شد: الیوم اکملت لکم ..... آنگاه پیامبر فرمود: الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت علی بعد از من.

پس از این، عمادالدین، نقد ابو سعید سجستانی در کتاب الولاية را نقل کرده، به آن پاسخ می‌دهد. سجستانی ابتدا به متفرد بودن طریق حدیث اشاره کرده، آنگاه می‌گوید که «مشهور آن است که نزول این آیه در حجة الوداع بود. اما اینکه در روز غدیر خم باشد، جز از این طریق و این روایت، ندیده‌ام.» عمادالدین پاسخ می‌دهد:

روز غدیر هم در همان حجة الوداع بود. ولی نزول آیه و روز غدیر در یک روز نبود، وجه انکار سجستانی در چیست؟ مگر اینکه بخواهد بگوید روز نزول این آیه در روز حجة الوداع در مکه بوده ... وجه جمع بین روایات این است که نزول آیه در مکه و در عرفات بوده ولی پیامبر بر اساس مصالحی، بیان آن برای مردم را تا موضع غدیر به تأخیر انداخته است .... (همان: ۳۲۸-۳۲۹)

## ۱۴. نتیجه‌گیری

از برآیند روایاتی که عمادالدین طبری در کتاب بشاره المصطفی درباره‌ی غدیر، ایراد کرده است، دریافته میشود که یکی از محورهای اساسی نگارش وی در این کتاب، غدیر و بیان حقانیت و تبیین حقیقت آن بوده است.

از مجموع ۵۹۰ روایت این کتاب، نزدیک به ۷ درصد به صورت کامل به واقعه‌ی غدیر پرداخته و حداقل ۸ مورد غیر از موارد شمارش شده در این نوشتار، جمله «من كنت مولاه فعلى مولاه» و ۷ مورد دیگر جمله «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» و تعدادی دیگر، جملائی مانند آنها را نقل کرده‌اند.

نویسنده، گزارش این رویداد تاریخی را به شکلهای گوناگون آورده تا گروه‌های مختلف از محققان و متکلمان، از هر گروه و فرقه و مذهب را به کار آید و بر اساس معیارهای پذیرفته‌ی خویش، به اقصای درباره‌ی ضرورت و اهداف این رویداد مهم، نزدیک شوند. همچنین نویسنده توانسته است اعتقاد شیعیان و عقیده‌مندان به امامت امام علی علیه السلام را، درباره‌ی غدیر را استحکام بیشتری بخشیده، به سرمایه‌های حدیثی و کلامی ایشان در این باره، غنا بخشد.

## کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن بابویه، شیخ منتجب الدین، (۱۳۶۶ش)، فهرست، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة، دوم، نجف: حیدریه الویری، محسن، (۱۳۹۱ش)، گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه‌ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۸، صص ۷-۵۳

امینی، عبدالحسین، (۱۳۹۷ق)، الغدیر فی الکتاب و النسخة و الادب، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۷ ق

تهرانی، شیخ آقا بزرگ، بی تا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دوم، بیروت: دارالأضواء

حسینی میلانی، سید علی، (بی‌تا)، حدیث الغدیر، قم، مرکز الابحاث العقائدیة

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۴۰۳ق)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی

طباطبایی، سید عبدالعزیز، (۱۳۷۴ش)، الغدیر فی التراث الاسلامی، قم، نشر الهادی، چاپ اول

گونه‌شناسی روایات غدیر در بشارة المصطفی (سیدمحسن موسوی) ۳۰۹

طبری، ابو جعفر محمد بن أبی القاسم، (۱۴۲۰ق)، بشارة المصطفی لشبعة المرتضى عليه السلام، تحقيق: جواد قیومی، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی

عاملی، سید جعفر مرتضی، (۱۴۱۷ق)، الغدير و المعارضون، بیروت، دار السيرة، چاپ سوم  
کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی، (بی‌تا)، دلیل النص بنخبر الغدير علی امامة أميرالمؤمنين عليه السلام،  
محقق: علاء جعفر، قم، مؤسسة آل البيت

موسوی، سیدمحسن، (۱۳۹۴ش)، روش کلامی شیخ صدوق، قم، دانشگاه قرآن و حدیث

